

شناسایی موانع پیش‌روی توسعه کشت کلزا در استان کردستان با استفاده از نظریه بنیادی

چکیده

با توجه به نیاز روزافزون کشور به روغن‌های خوراکی که در حال حاضر بخش اعظم آن از منابع خارجی تامین می‌گردد، توسعه کشت دانه‌های روغنی به‌ویژه کلزا از اهمیت به‌سزایی برخوردار است و به دلیل خصوصیات مطلوب آن مورد توجه سیاست‌گذاران بخش کشاورزی قرار گرفته است. اما با وجود تمام تلاش‌ها و ادعاها، ایران هنوز هم برای تامین نیاز خود به واردات روغنی وابسته است. پژوهش کیفی حاضر با استفاده از نظریه بنیادی و با هدف شناسایی موانع پیش‌روی توسعه کشت کلزا در استان کردستان انجام گرفت. جامعه مورد مطالعه ۲۴ نفر از کارشناسان زراعت، مروجان مسئول پهنه و کشاورزان کلزاکار بودند که به روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه نیمه ساختارمند و پرسشنامه‌ی باز استفاده شد. بر مبنای نتایج مهمترین موانع پیش توسعه کشت کلزا در سه طبقه علل انسانی، مالی و تولید دسته‌بندی شدند که هر یک به ابعادی از موضوع مورد مطالعه می‌پردازند.

کلمات کلیدی: کلزا، دانه‌های روغنی، کشاورزی، موانع، کردستان

Identifying Barriers to the development of Canola cultivation in Kurdistan province by using Grounded theory

Abstract

Due to the growing need for edible oils, most of which are supplied from foreign sources, the development of oilseeds, especially Canola, is of great importance and due to its desirable characteristics has been considered by policymakers in the agricultural sector. But despite all efforts and claims, Iran is still dependent on oil imports to meet its needs. The present qualitative research was conducted using grounded theory with the aim of identify barriers to the development of Canola cultivation in Kurdistan province. The study population consisted of 24 agricultural experts, extension agent of area and Canola farmers who were selected by purposive sampling method. Semi-structured interview technique and open questionnaire were used to collect data. Based on the results, the most important obstacles to the development of Canola cultivation were classified into three categories: human, financial and production causes, each of which deals with dimensions of the subject under study.

Key Words: Canola, Oilseeds, Agriculture, Barriers, Kurdistan

علی‌رغم پیشرفت‌های زیادی که در دهه‌های گذشته به وقوع پیوسته است، جهان هنوز در بحران غذایی به سر می‌برد. این مسئله به‌ویژه در مناطقی که با افزایش چشمگیر جمعیت روبرو هستند، مهم می‌باشد، لذا امروزه تأمین نیاز غذایی جامعه از مهم‌ترین مسایل کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. روغن یکی از مواد غذایی مهم مورد مصرف بشر می‌باشد. دانه‌های روغنی از نظر تأمین کالری و انرژی مورد نیاز انسان و دام در بین محصولات زراعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. افزایش سالانه ۱/۵ درصدی جمعیت جهان، بهبود سطح تغذیه و جایگزینی مصرف روغن گیاهی به جای روغن حیوانی، و افزایش مصرف کنجاله دانه‌های روغنی بر اهمیت این محصولات و تلاش برای یافتن منابع جدید روغن و دانه‌های روغنی می‌افزاید (عبدی و فیروزی، ۱۳۹۳).

دانه‌های روغنی پس از غلات، دومین ذخایر غذایی جهان را تشکیل می‌دهند و بدون شک از محصولات اساسی کشاورزی ایران هستند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۶). در بین دانه‌های روغنی، کلزا بعد از سویا و نخل روغنی به‌عنوان سومین منبع مهم تولید روغن در جهان است. کلزا گیاهی از خانواده شب‌بوها با نام علمی *Brassica napus* است. خاستگاه اصلی کلزا کرانه‌های دریای مدیترانه بوده و تا به امروز نوع وحشی آن مشاهده نشده است (سبحانی و روشنعلی، ۱۳۹۷). کشت کلزا متجاوز از سه هزار سال قبل در شرق آسیا مرسوم بوده و روغن آن دارای مصارف مختلفی از جمله غذایی، دارویی و نیز سوخت برای روشنایی بوده است (Kimber, 1995). امروزه استفاده از کلزا عمدتاً جهت تولید روغن خوراکی مورد توجه قرار می‌گیرد چرا که دانه کلزا بیش از ۴۰ درصد روغن داشته و کیفیت آن نیز در ارقام جدید بسیار مطلوب بوده و به دلیل داشتن نزدیک به ۶۰ درصد اولئین بهتر از اغلب روغن‌های نباتی است. کنجاله کلزا نیز در گونه‌های جدید از نظر کیفی نزدیک به کنجاله سویا بوده و در حدود ۴۰ درصد پروتئین دارد (Risdon, 1992) و منبع پروتئین مناسبی برای خوراک دام و طیور محسوب می‌شود (Usherwood, 1993).

گیاه کلزا^۱ به‌عنوان یک گیاه مناسب روغنی برای کشت در شرایط آب و هوایی کشور مورد توجه است. کلزا دارای ارقام گوناگونی است که با توجه به رقم مورد نظر می‌تواند در شرایط آب و هوایی سرد، معتدله سرد، آب و هوای گرم جنوب و در سواحل خزر بعد از برداشت برنج رشد کند. این گیاه دارای کشت بهاره و پائیزه می‌باشد، در کشت پائیزه نیاز به آبیاری کم بوده و امکان استفاده از نزولات آسمانی پائیزه و زمستانه وجود دارد (هاشمی و کیانی، ۱۳۹۶).

با بهره‌گیری از ارقام جدید کیفیت و کمیت روغن این گیاه به‌منظور مصرف خوراکی افزایش یافته و امروزه می‌توان به جرأت گفت که به دلیل مصارف گوناگون کلزا از جمله باارزشترین گیاهان روغنی مناطق معتدله در دنیا محسوب می‌گردد (روشنعلی و ذاکری، ۱۳۹۳). با توجه به نیاز روزافزون کشور به روغن‌های خوراکی که در حال بخش اعظم آن از منابع خارجی تأمین می‌گردد، توسعه کشت دانه‌های روغنی به‌ویژه کلزا از اهمیت به‌سزایی برخوردار است (عاقل و ذوقی، ۱۳۸۸). در حال حاضر تولید روغن خوراکی از منابع داخلی پاسخگوی تقاضای فزاینده ناشی از رشد جمعیت نیست و تنها کمتر از ۱۰ درصد نیاز مصرفی کشور را تأمین می‌کند. لذا همه ساله حجم در خور توجهی از این ماده غذایی با صرف مبالغ چشمگیری ارز وارد

^۱.Canola

کشور می‌شود. تجربه نشان می‌دهد که توسل به سیاست واردات در واکنش به عدم تعادل در عرضه و تقاضای مواد غذایی نمی‌تواند برای مدت درازی دوام داشته باشد؛ زیرا تغییرپذیری و نوسان‌های درآمد ارزی، سیاست‌گذاران اقتصادی را در امر کنترل تولید و عرضه مواد غذایی، به‌ویژه کالاهای اساسی با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. رویکرد اساسی سیاست کشاورزی ایران، افزایش تولید محصولات کشاورزی راهبردی به‌ویژه دانه‌های روغنی به‌منظور تامین بخشی از نیازهای مصرفی کشور و کاهش وابستگی به واردات مواد غذایی است. در این راستا توسعه سطح زیر کشت و نیز بهبود عملکرد در واحد سطح، به‌عنوان راهکارهای تعیین کننده در نظر گرفته شده‌اند (همایونی فر و ملک‌دار، ۱۳۸۴). در ایران از بدو شروع فعالیت‌های کشت دانه‌های روغنی، در برنامه‌های توسعه وجود داشته (روشنعلی و ذاکری، ۱۳۹۳) و مورد توجه سیاست‌گذاران بخش کشاورزی قرار گرفته است (عاقل و ذوقی، ۱۳۸۸). علی‌رغم اینکه توان بالقوه پنج میلیون تنی برای تولید کلزا برآورد شده است، بر اساس آمارنامه وزارت جهاد کشاورزی وضعیت تولید این محصول در سال زراعی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ تنها ۶۸۲۸۰ تن بوده است (کاکاوند و همکاران، ۱۳۹۷). میانگین آمار واردات ۱۰ ساله روغن نباتی نشان می‌دهد که بخش کشاورزی ایران برنامه خاصی برای توسعه کشت داخلی و افزایش پایدار تولید دانه‌های روغنی ندارد. در واقع وزارت جهاد کشاورزی در این چند ساله عملاً حمایتی از بخش دانه‌های روغنی نکرده است. بررسی آمار تولید دانه‌های روغنی نیز مؤید این مسأله است که در بهترین شرایط که اندکی تولید دانه‌های روغنی و کلزا مورد توجه قرار گرفته بود؛ یعنی در ۸۴، تولید کلزا تنها توانست از سطح خوداتکایی ۱۵ درصد بگذرد و این در حالی است که به گفته بسیاری از فعالان و کارشناسان، پتانسیل بخش کشاورزی در زیر بخش دانه‌های روغنی در حدی است که اگر نخواهیم اغراق کنیم و رقم ۱۰۰ درصد خودکفایی را مطرح کنیم، می‌توان به راحتی رقم ۷۵ درصد خوداتکایی را نشانه رویم بدین لحاظ لزوم برنامه‌ریزی بلندمدت و منسجم با هدف نیل به خودکفایی در تولید روغن خوراکی غیر قابل انکار خواهد بود (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۶). اما با وجود تمام تلاش‌ها و ادعاها، ایران هنوز هم برای تامین نیاز خود به واردات روغنی وابسته است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۶) و به دلیل موانع و مشکلاتی که بر سر راه کشت کلزا وجود دارد کشت این محصول آنقدر که می‌بایست مورد پذیرش کشاورزان قرار نگرفته است (شهری، ۱۳۹۶). بر این اساس بررسی و شناخت موانع توسعه کشت کلزا در مناطق مستعد کشور می‌تواند برنامه ریزان اقتصادی را در تدوین و گزینش راهبردهای مناسب و کارا برای تحقق هدف مهم و اساسی افزایش تولید محصولات کشاورزی یاری دهد. لذا هدف اصلی این مطالعه شناسایی موانع پیش روی کشت کلزا در استان کردستان می‌باشد.

پیشینه تحقیق

در خصوص موانع پیش روی توسعه کشت کلزا مطالعات معدودی انجام شده است که در ادامه به نتایج آن‌ها اشاره شده است. کاسی و همکاران^۱ (۲۰۲۰) در پژوهش خود تحت عنوان تأثیر عوامل اقلیمی فنی و اجتماعی بر تولید کلزا در مزارع تحت مدیریت فناوری‌های دیجیتال و رباتیک در کانادا به این نتیجه رسیدند که ۳۸ درصد از تغییرات عملکرد کلزا به درجه حرارت و مقدار ریزش باران در دوره رویش گیاه، دسترسی به اینترنت پرسرعت، بهره‌گیری از نهاده‌های شیمیایی و قارچ‌کش‌ها و همچنین

^۱. KC et al

میانگین سن بهره‌برداران وابسته است. دشتی و همکاران^۱ (۲۰۱۶) در بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کشت کلزا در شهرستان‌های تبریز و مرند به این نتیجه دست یافتند که سطح تحصیلات، مبلغ وام، قیمت واقعی کلزا و سود نسبی کلزا اثر مثبت و هزینه ماشین‌آلات، فاصله مزرعه تا جاده و تعداد قطعات زمین اثر منفی بر سطح زیرکشت این محصول دارند. غیاثوند غیائی (۲۰۱۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که عواملی نظیر سن کشاورز، ارائه خدمات آموزشی و ترویج از جمله متغیرهای وابسته (امکان‌سنجی کشت و توسعه دانه‌های روغنی است) که موجب افزایش تولید و عملکرد می‌شود. چاهی بیرق و فلسفیان (۱۴۰۲) در مطالعه خود بیان داشتند که بر اساس نتایج حاصل از برآورد مرحله اول الگوی هاردل دوگانه (مدل توبیت) سطح تحصیلات، عضویت در تعاونی، قیمت کلزا، سهم درآمدی مزرعه و شرکت در کلاس‌های آموزشی و ترویجی اثر مثبت و معنی‌داری بر تصمیم به کشت کلزا داشته و تعداد قطعات زمین و سن کشاورز، اثر منفی بر احتمال پذیرش آن دارد. نتایج حاصل از برآورد مرحله دوم الگوی هاردل دوگانه (مدل توبیت) موید آن است که شرکت در کلاس‌های آموزشی و ترویجی، تجربه کشت کلزا، نیروی کار خانوادگی، مالکیت زمین و دریافت وام اثر مثبت بر توسعه و افزایش سطح زیرکشت آن در شهرستان تبریز دارد و هزینه ماشین‌آلات و تعداد قطعات مزرعه اثر منفی بر آن می‌گذارد. شهریاری و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که چالش‌های شناسایی شده در توسعه کشت کلزا در قالب پنج مؤلفه با عناوین: "ضعف عوامل حمایتی و پشتیبانی"، "کمبود منابع، نهاده‌ها و زیرساخت‌ها"، "ضعف عملکرد آموزشی-ترویجی"، "مدیریت نامناسب مزرعه"، و "ویژگی‌های فیزیولوژیکی گیاه" و راهکارهای شناسایی شده در قالب سه مؤلفه شامل "تأمین نهاده‌ها و زیرساخت‌ها"، "توسعه حمایت‌های مالی" و "ارایه خدمات تحقیقاتی، آموزشی و ترویجی" شناسایی و طبقه‌بندی شدند.

نتایج تحقیق شفیع (۱۳۹۰) حاکی از آن است که عواملی از جمله سن، تحصیلات، تجربه‌ی کشت کلزا، تنوع تولید، عملکرد محصول در سال زراعی قبل، سطح سبز نشده کلزا، درصد افت محصول و شرکت در کلاس‌های آموزشی از مهمترین عوامل تعیین‌کننده‌ی توسعه‌ی کشت کلزا در این منطقه می‌باشند. نتایج تحلیل تشخیصی مطالعه قاسمی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که متغیرهای تماس با مروجین و کارشناسان کشاورزی، علاقه به کشت کلزا، شرکت در کلاس‌های آموزشی-ترویجی و شرکت‌های خدماتی مشاوره کشاورزی به‌عنوان مهمترین عوامل متمایز کننده گروه‌های پذیرنده، پذیرنده و ردکننده کاشت کلزا بودند که در مجموع توانستند ۶۹/۶ درصد از کل پاسخگویان را به درستی طبقه‌بندی کنند. نتایج مطالعه شهری (۱۳۹۶) نشان داد که کشاورزان به آموزش در زمینه مدیریت مزرعه کلزا نیاز دارند، در بخش مکانیزاسیون برای برداشت کلزا ریزدانه‌کار حرفه‌ای در دسترس کشاورزان نیست و دامداران تمایلی به خرید کاه و کلشن به جا مانده از کلزا را ندارند. همچنین نتایج حاکی از آن بود که افزایش قیمت خرید کلزا برای ترغیب کشاورزان به کشت این محصول، اعطای وام و تسهیلات جهت تهیه ریزدانه کارهای حرفه‌ای، برگزاری کلاس‌های ترویجی در رابطه با مدیریت مزرعه گیاه کلزا برای کشاورزان از راهکارهای مؤثر برای توسعه کشت کلزا در استان البرز می‌باشد. براساس نتایج حاصله از پژوهش امین فدک و همکاران (۱۳۹۴) مهمترین موانع کاشت کلزا، ریزش زیاد هنگام برداشت (با میانگین ۲۰/۴) می‌باشد. عاقل و ذوقی (۱۳۸۸) در بررسی موانع و مشکلات توسعه کشت کلزا در خراسان به این نتیجه دست یافتند که خطر سرمازدگی مهم‌ترین مانع توسعه این کشت محسوب می‌شود. عدم دسترسی به ماشین‌آلات و پیچیدگی‌های مربوط به تحویل محصول و دریافت وجه نیز از مهم‌ترین مشکلات تولید ذکر شده‌اند.

^۱. Dasht et al

بر اساس نتایج مطالعه معتمد و همکاران (۱۳۹۸) موانع و محدودیت‌های کشت کلزا در سه عامل مشکلات مربوط به کاشت و داشت کلزا، مشکلات پس از برداشت کلزا و مشکلات مربوط به شرایط اقتصادی، اقلیمی، اراضی و بیمه‌های کشت کلزا دسته‌بندی شدند. به‌طور کلی نتایج این تحقیق نشان داد که با برگزاری کلاس‌های ترویجی - آموزشی با کیفیت بیشتر با توجه به نیاز کشاورزان، برقراری ارتباط مؤثر بین کنشگران و تأسیس کارخانجات فرآوری کلزا احتمالاً بتوان موانع پیش‌روی کشت کلزا را از بین برد. نتایج تحقیق عبدی و فیروزی (۱۳۹۳) حاکی از آن بود که متغیرهایی از قبیل سن، سابقه کشاورزی، تعداد افراد تحت سرپرستی، تحرک به خارج از روستا و شناخت کلزا اثر مثبت و معنی‌داری بر کشت کلزا داشتند. یافته‌های تحقیق پژوهش شرفی‌پور و احمدوند (۱۳۹۷) نشان داد بازدارنده‌های توسعه کشت کلزا در چهار مقوله: مالی، فرآیند تولید، درون فردی و اطلاعاتی - ارتباطی قابل تفکیک‌اند. علاوه بر آن، بر اساس رتبه‌بندی صورت گرفته، موانع مالی با میانگین $3/80$ و انحراف معیار $0/359$ در جایگاه نخست قرار گرفت. جباری و ظریفیان (۱۳۸۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که درآمد حاصله از کلزا عدم تداخل با کشت برنج و خرید تضمینی با رضایت از پذیرش رابطه مثبت و معنی‌دار داشتند. نتایج مطالعه بخشی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که مالکیت ماشین‌آلات تاثیر مهمی بر پذیرش کلزا داشت چنانچه با افزایش ۱ درصد مالکیت ماشین‌آلات، احتمال پذیرش کشت کلزا $0/158$ درصد افزایش یافت. تماس با مروجان، سهم درآمد مزرعه‌ای، سطح تحصیلات و تجربه کشاورز اثر مثبت بر احتمال پذیرش کلزا داشته و سن و تعداد قطعات زمین زراعی هر کشاورز نیز اثر منفی بر احتمال کشت کلزا داشتند. همچنین نتایج نشان داد که مبلغ وام، سود نسبی کلزا و تعداد نیروی کار خانوادگی اثر مثبت و هزینه ماشین‌آلات و فاصله زمین زراعی تا جاده در هر هکتار اثر منفی روی میزان سطح زیر کشت کلزا داشتند. سود نسبی موثرترین عامل بود به نحوی که ۱ درصد افزایش در سود نسبی منجر به $0/342$ درصد افزایش در کشت کلزا می‌شد.

اهداف تحقیق

تحقیق حاضر با هدف کلی شناسایی موانع پیش روی توسعه کاشت کلزا در استان کردستان به انجام رسیده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت جزء مطالعات کیفی و به لحاظ هدف در زمره مطالعات کاربردی است که با رویکردی اکتشافی و با استفاده از روش نظریه‌مبنایی انجام گرفته است. این روش به منظور تهیه بینش دقیق نسبت به محیط‌های ناشناخته برای محقق بکار می‌رود و ابزاری قوی برای مطالعه موضوعات دارای طبیعت اجتماعی است (جونز و آلونی^۱، ۲۰۱۱). مطالعاتی که نظریه‌مبنایی را بکار می‌گیرند، اساساً گامی به‌سوی تفکر مفهومی و ساخت نظریه به‌جای آزمون تجربی نظریه است (خان^۲، ۲۰۱۴). جامعه مورد مطالعه پژوهش شامل کارشناسان زراعت، مروجان مسئول پهنه و کشاورزان کلزاکار بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی^۳ انتخاب شدند. همچنین با استفاده از شاخص اشباع نظری^۱ نسبت به نمونه‌گیری، از

1. Jones and Alony

2. Khan

3. Snow Ball

جامعه پژوهش اقدام شد. اشباع نظری از طریق نمونه ۲۴ نفری حاصل شد. اشباع نظری رویکردی است که برای تعیین کفایت نمونه‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد و زمانی رخ می‌دهد که داده بیشتری که سبب توسعه، تعدیل، بزرگ‌تر شدن یا اضافه شدن به تئوری موجود می‌گردد به پژوهش اضافه نشود (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۱). جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه انفرادی عمیق نیمه ساختاریافته^۲ و پرسشنامه باز صورت گرفت. تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در قالب کدگذاری‌های سه گانه نظریه مبنایی انجام گرفت. حین انجام تحلیل داده‌ها محقق بارها متن مصاحبه‌های انجام شده را مرور می‌کرد این حرکت محقق موجب می‌شد تحلیل داده‌های به دست آمده دقیق‌تر شکل بگیرد. به‌کارگیری روش‌های چندگانه در جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش کیفی، اعتبار یافته‌های این روش را از طریق فرآیندی که از آن به مثلث‌سازی^۱ یاد می‌شود، افزایش می‌دهد (ادیب حاج‌باقری و همکاران، ۱۳۸۹).

¹.Theoretical Saturation

².Semi-structured In-depth Individual Interview

جدول ۱. طول مدت مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با جامعه مورد مطالعه

ردیف	مکان مصاحبه	مصاحبه‌شونده	تاریخ مصاحبه	زمان شروع	زمان پایان	طول مدت مصاحبه
۱	سازمان جهاد کشاورزی استان کردستان	کارشناس زراعت	۱۳۹۸/۷/۲۴	۱۱:۳۰	۱۲:۲۰	۵۰ دقیقه
۲	سازمان جهاد کشاورزی استان کردستان	کارشناس زراعت	۱۳۹۸/۷/۲۵	۹:۳۰	۱۰:۱۰	۴۰ دقیقه
۳	مرکز جهاد کشاورزی شهرستان کامیاران	مروج مسئول پهنه شماره ۱	۱۳۹۸/۸/۴	۹	۹:۲۰	۲۰ دقیقه
۴	مرکز جهاد کشاورزی شهرستان کامیاران	مروج مسئول پهنه شماره ۲	۱۳۹۸/۸/۴	۹:۳۰	۹:۴۵	۱۵ دقیقه
۵	مرکز جهاد کشاورزی شهرستان کامیاران	مروج مسئول پهنه شماره ۳	۱۳۹۸/۸/۴	۱۰	۱۰:۲۰	۲۰ دقیقه
۶	مرکز جهاد کشاورزی شهرستان قروه	کشاورز نمونه شماره ۱	۱۳۹۸/۸/۱۱	۱۰	۱۰:۱۰	۱۰ دقیقه
۷	مرکز جهاد کشاورزی شهرستان قروه	کشاورز نمونه شماره ۲	۱۳۹۸/۸/۱۱	۱۰:۱۵	۱۰:۲۰	۵ دقیقه
۸	مرکز جهاد کشاورزی شهرستان دیواندره	کشاورز نمونه	۱۳۹۸/۸/۸	۱۱	۱۱:۳۵	۳۵ دقیقه
۹	مرکز جهاد کشاورزی شهرستان مریوان	مروج مسئول پهنه	۱۳۹۸/۸/۱۲	۱۰	۱۰:۴۵	۴۵ دقیقه
۱۰	مرکز جهاد کشاورزی شهرستان کامیاران	مروج مسئول پهنه ۱	۱۳۹۸/۸/۱۶	۱۱	۱۱:۱۵	۱۵ دقیقه
۱۱	مرکز جهاد کشاورزی شهرستان کامیاران	مروج مسئول پهنه ۲	۱۳۹۸/۸/۱۶	۱۱:۲۰	۱۱:۴۰	۲۰ دقیقه
۱۲	مرکز جهاد کشاورزی شهرستان کامیاران	کشاورز شماره ۱	۱۳۹۸/۸/۱۶	۱۲	۱۲:۱۰	۱۰ دقیقه
۱۳	مرکز جهاد کشاورزی شهرستان	کشاورز شماره ۲	۱۳۹۸/۸/۱۶	۱۲:۱۵	۱۲:۳۰	۱۵ دقیقه
۱۴	مرکز جهاد کشاورزی شهرستان کامیاران	کشاورز شماره ۳	۱۳۹۸/۸/۱۶	۱۲:۳۰	۱۲:۴۵	۱۵ دقیقه
۱۵	مرکز جهاد کشاورزی شهرستان قروه	مروج مسئول پهنه ۱	۱۳۹۸/۸/۱۸	۱۱	۱۱:۱۰	۱۰ دقیقه

۱۵ دقیقه	۱۱:۳۰	۱۱:۱۵	۱۳۹۸/۸/۱۸	مروج مسئول پهنه ۲	مرکز جهاد کشاورزی شهرستان قروه	۱۶
۱۰ دقیقه	۱۱:۴۰	۱۱:۳۰	۱۳۹۸/۸/۱۸	مروج مسئول پهنه ۳	مرکز جهاد کشاورزی شهرستان قروه	۱۷
۱۵ دقیقه	۱۲	۱۱:۴۵	۱۳۹۸/۸/۱۸	مروج مسئول پهنه ۴	مرکز جهاد کشاورزی شهرستان قروه	۱۸
۱۰ دقیقه	۱۲:۱۰	۱۲	۱۳۹۸/۸/۱۸	مروج مسئول پهنه ۵	مرکز جهاد کشاورزی شهرستان قروه	۱۹
۱۰ دقیقه	۱۲:۲۰	۱۲:۱۰	۱۳۹۸/۸/۱۸	مروج مسئول پهنه ۶	مرکز جهاد کشاورزی شهرستان قروه	۲۰
۱۰ دقیقه	۱۰:۱۰	۱۰	۱۳۹۸/۹/۲۱	کشاورز کلزاکار	قروه	۲۱
۱۵ دقیقه	۱۰:۳۰	۱۰:۱۵	۱۳۹۸/۹/۲۱	کشاورز کلزاکار	مریوان	۲۲
۲۰ دقیقه	۱۰:۵۰	۱۰:۳۰	۱۳۹۸/۹/۲۱	کشاورز کلزاکار	سقز	۲۳
۱۰ دقیقه	۱۱:۱۰	۱۱	۱۳۹۸/۹/۲۱	کشاورز کلزاکار	دهگلان	۲۴
۷:۳۰	جمع مدت مصاحبه‌ها: ۴۴۰ دقیقه					

یافته‌ها

در راستای شناسایی موانع پیش روی نظام ترویج تکثرگرا در ایران، داده‌های جمع‌آوری شده از طریق مراحل سه‌گانه کدگذاری باز، محوری و انتخابی گراند تئوری تحلیل شدند. در مرحله اول یعنی کدگذاری باز، مفاهیم یا جملات مربوط به عدم تمایل به کشت کلزا استخراج شدند و در قالب ۷۲ مورد کدگذاری گردید (جدول ۲). برای جملات و مفاهیمی که به لحاظ معنایی به هم نزدیک بودند از یک کد یکسان استفاده شد.

جدول ۲: مفهوم‌سازی داده‌های حاصل از پژوهش (کدگذاری باز)

ردیف	مفاهیم	کد
۱.	نبودن مرکز خرید کلزا (شهرستان بانه)	A1
۲.	کاهش حمایت از توسعه کشت کلزا در سال گذشته	A2
۳.	عدم همکاری جهاد کشاورزی در تامین سم برای مبارزه با آفت سنک	A3
۴.	خرید سخت‌گیرانه محصول کلزا	A4
۵.	نفوذ وارد کنندگان محصول کلزا	A5
۶.	واردات روغن کلزا از خارج کشور	A6
۷.	خریدار این محصول فقط دولت است مردم این محصول را نمی‌خرند	A7
۸.	پوشش بیمه‌ای نامناسب	A8
۹.	عدم اعلام قیمت قطعی خرید سال بعد (نامشخص بودن قیمت خرید کلزا در سال بعد)	A9
۱۰.	عدم پذیرش سرمازدگی کلزا به‌عنوان دلیل افت عملکرد کلزا توسط کارشناسان بیمه	A10
۱۱.	کاهش حمایت از توسعه کشت کلزا در سال گذشته	A11
۱۲.	انحصاری بودن محصول کلزا در دست دولت	A12
۱۳.	عدم کیل گیری واقعی و صادقانه کلزا	A13
۱۴.	زمان بر بودن پروسه تحویل محصول کلزا	A14
۱۵.	تبعیض یا بی توجهی در پرداخت خسارت به کلزاکاران	A15
۱۶.	عدم آگاهی کشاورزان آبی کار از قیمت خرید کلزا در سال پیش رو (عدم اطلاع رسانی به موقع دولت)	A16
۱۷.	عدم همکاری جهاد کشاورزی در تامین سم برای مبارزه با آفت سنک	A17
۱۸.	سود تمام شده کلزا پائین است.	B1
۱۹.	هزینه بر بودن کشت کلزا	B2
۲۰.	افزایش هزینه‌های تولید در سال اخیر به نسبت سال‌های گذشته	B3
۲۱.	بالا رفتن قیمت علوفه در سال‌های اخیر	B4
۲۲.	ناتوانی کلزا در رقابت با محصولات با درآمدزایی بیشتر از جمله گوجه فرنگی و پیاز (شهرستان کامیاران)	B5
۲۳.	افزایش اجاره زمین در سال اخیر به نسبت سال‌های گذشته	B6
۲۴.	افزایش قیمت سیب‌زمینی به‌عنوان محصول رقیب (شهرستان قروه)	B7
۲۵.	ناتوانی کلزا در رقابت با محصولات با درآمدزایی بیشتر از جمله گوجه فرنگی و پیاز (شهرستان کامیاران)	B8
۲۶.	عدم اعلام قیمت قطعی خرید سال بعد (نامشخص بودن قیمت خرید کلزا در سال بعد)	B9
۲۷.	بالا رفتن قیمت علوفه در سال‌های اخیر	B10
۲۸.	پائین بودن درآمد حاصل از کشت کلزا در مقایسه با تعدادی از زراعت‌ها	B11

B12	پائین بودن قیمت تضمینی محصول کلزا	۲۹.
B13	مشکل صادرات محصولات کشاورزی به کردستان عراق به دلیل گذاشتن تعرفه‌های گمرکی بر روی محصولات کشاورزی توسط اقلیم کردستان عراق	۳۰.
B14	پائین بودن عملکرد محصول کلزا در سال گذشته	۳۱.
B15	بالا بودن هزینه برداشت دستی	۳۲.
C1	سخت بودن عملیات کشت کلزا برای کشاورزان به نسبت کشت‌های دیگر	۳۳.
C2	کمبود آب در اوایل کشت جهت انجام عملیات هیرم کاری و کشت اولیه کلزا	۳۴.
C3	آزادسازی دیرهنگام آب کنار رودخانه‌ها (در اواخر مهر ماه) که زمان مناسبی برای کشت کلزا نمی‌باشد (شهرستان بیجار)	۳۵.
C4	عدم وجود ماشین‌آلات مخصوص کشت کلزا برای مرحله کاشت (مشکلات مکانیزاسیون)	۳۶.
C5	کلیه عملیات مربوط به زراعت کلزا نسبت به سایر محصولات از جمله گندم حساس‌تر است	۳۷.
C6	عدم وجود کارنده‌های ویژه محصول کلزا	۳۸.
C7	مناسب نبودن ارقام جدید کلزا	۳۹.
C8	همخوانی نداشتن زمان برداشت محصولاتی چون سیب زمینی و ذرت علوفه‌ای با زمان کشت کلزا (شهرستان سقز)	۴۰.
D1	طغیان آفت سنک کلزا در سال گذشته	۴۱.
D2	آفت و بیماریها و علفهای هرز و همچنین عدم کارایی سموم	۴۲.
D3	سخت بودن مبارزه با آفت سنک کلزا	۴۳.
D4	خسارت زدن آفت سنک کلزا به سایر محصولات همجوار	۴۴.
D5	کلزا به سرما حساس است (سرمازدگی)	۴۵.
D6	کلزا به سرما حساس است (سرمازدگی)	۴۶.
D7	عدم وجود امکانات لازم برای مبارزه با آفت سنک در سال گذشته	۴۷.
D8	بازدگی در مزارع کلزا	۴۸.
D9	آفت شته سبز	۴۹.
D10	آفت بید کلم	۵۰.
D11	عدم تامین کود فسفاته	۵۱.
E1	عدم وجود ماشین‌آلات برداشت	۵۲.
E2	ریزش محصول کلزا هنگام برداشت	۵۳.
E3	مشکل انبارداری	۵۴.
F1	خسارت به دلیل گرمای شدید	۵۵.
F2	حساس بودن کلزا به شرایط اقلیمی متفاوت	۵۶.
F3	کمبود آب برای آبیاری علیرغم داشتن چاه‌های آب	۵۷.

F4	کم بودن آب برای آبیاری محصول کلزا در منطقه (شهرستان دیواندره)	۵۸
F5	بارندگی زیاد (شهرستان مریوان)	۵۹
F6	کمبود آب در منطقه (در پایاب سدها هم در زمان آبیاری آب رها سازی نمی شود)	۶۰
F7	مسائل و مشکلات توپوگرافی منطقه	۶۱
F8	کوچک بودن قطعات زمین (کمتر از یک هکتار) و عدم توجه اقتصادی	۶۲
F9	پائین بودن وزن هزار دانه کلزا به دلیل گرمای آخر فصل	۶۳
F10	شیب دار بودن زمین ها در بعضی مناطق	۶۴
G1	ضعیف عمل کردن مروجان مسئول پهنه مستقر در مراکز جهاد کشاورزی در توجه کشاورزان و علاقمند نمودن آنها	۶۵
G2	ضعیف بودن مروجان مسئول پهنه به لحاظ فنی	۶۶
G3	عدم برخورداری مروجان مسئول پهنه از مهارت‌های ارتباطی و کلامی مناسب با کشاورز	۶۷
H1	عدم علاقه کشاورزان به کشت در سطوح کم	۶۸
H2	پائین بودن سطح سواد کشاورز	۶۹
H3	عدم آشنائی با کشت محصول کلزا (شهرستان دیواندره)	۷۰
I1	عدم کاربرد بقایای محصول کلزا	۷۱
I2	بقایای محصول کلزا ساقه‌های ضخیم است که برای کشاورز مشکل ایجاد می‌کند.	۷۲

با انجام کدگذاری باز، بستر ساخت طبقات آماده گردید. در مرحله دوم یعنی کدگذاری محوری، مفاهیم اولیه و کدهایی را که در کدگذاری باز ایجاد شده بود، با مفاهیم مشابه ترکیب و ارتباط بین مفاهیم اولیه مشخص شد که در نهایت، به شکل‌گیری طبقاتی با مفاهیم جدید منجر شد. به‌منظور شکل‌گیری طبقات گسترده محقق بایستی خرده طبقات حاصل از مرحله کدگذاری باز را به‌صورت مداوم با هم مقایسه نماید. با مقایسه دائمی در کدگذاری محوری، این خرده طبقات در قالب ۱۰ مقوله دسته‌بندی شدند. طبقات حاصله از کدگذاری محوری تحت عناوین علل حمایتی و سازمانی (عدم حمایت از کلزاکارن و مشکلات مربوط به فروش کلزا و عدم برخورداری از پوشش بیمه‌ای مناسب)، علل اقتصادی (عدم رقابت کلزا با سایر محصولات از نظر هزینه‌های تولید، عملکرد و قیمت)، مشکلات مرحله کاشت (عدم دسترسی به نهاده‌های مورد نیاز در کاشت کلزا)، مشکلات مرحله داشت (آفات متعدد و حساسیت بالای کلزا به آفات و شرایط آب و هوایی)، مشکلات مرحله برداشت (حساس بودن برداشت کلزا به دلیل ریزش بالا و عدم وجود ماشین آلات مناسب)، کاربردی نبودن بقایای پس از برداشت کلزا، مشکلات اقلیمی و توپوگرافی منطقه (حساسیت کلزا به شرایط اقلیمی، توپوگرافی و ساختاری منطقه)، علل ارتباطی و اطلاعاتی (عدم برخورداری مروجان مسئول پهنه از ارتباطات کلامی و فنی مناسب با کشاورز)، علل اجتماعی - فرهنگی (پائین بودن سطح تحصیلات و عدم انگیزه برای کاشت کلزا)، و علل حرفه‌ای (دانش کم کشاورزان از فرایند تولید و اصول فنی کاشت کلزا) استخراج شدند (جدول ۳).

جدول ۳: مقوله های حاصل از مفاهیم (کدگذاری محوری)

طبقات گسترده	خرده طبقات
<p>علل حمایتی و سازمانی (عدم حمایت از کلزاکاران و مشکلات مربوط به فروش کلزا و عدم برخورداری از پوشش بیمه‌ای مناسب)</p>	نبودن مرکز خرید کلزا (شهرستان بانه)
	عدم همکاری جهاد کشاورزی در تامین سم برای مبارزه با آفت سنک
	خرید سخت‌گیرانه محصول کلزا
	وارد کنندگان محصول کلزا
	واردات روغن کلزا از خارج کشور
	خریدار این محصول فقط دولت است مردم این محصول را نمی‌خرند.
	پوشش بیمه‌ای نامناسب
	عدم اعلام قیمت قطعی خرید سال بعد (نامشخص بودن قیمت خرید کلزا در سال بعد)
	عدم پذیرش سرمایه‌دگی کلزا به‌عنوان دلیل افت عملکرد کلزا توسط کارشناسان بیمه
	کاهش حمایت از توسعه کشت کلزا در سال گذشته
	خریدار کلزا فقط دولت است، کلزا محصول تضمینی و انحصاری دولت است.
	عدم کیل گیری واقعی و صادقانه کلزا
	زمان بر بودن پروسه تحویل محصول کلزا
	تبعیض یا بی توجهی در پرداخت خسارت به کلزاکاران
عدم آگاهی کشاورزان آبی کار از قیمت خرید کلزا در سال پیش رو	
<p>علل اقتصادی (عدم رقابت کلزا با سایر محصولات از نظر هزینه‌های تولید، عملکرد و قیمت)</p>	سود تمام شده کلزا پائین است.
	هزینه بر بودن کشت کلزا
	افزایش هزینه‌های تولید در سال اخیر به نسبت سال‌های گذشته
	بالا رفتن قیمت علوفه در سال‌های اخیر
	ناتوانی کلزا در رقابت با محصولات با درآمدزایی بیشتر از جمله گوجه فرنگی و پیاز (شهرستان کامیاران)
	افزایش اجاره زمین در سال اخیر به نسبت سال‌های گذشته
	افزایش قیمت سیب‌زمینی به‌عنوان محصول رقیب (شهرستان قروه)
	ناتوانی کلزا در رقابت با محصولات با درآمدزایی بیشتر از جمله گوجه فرنگی و پیاز (شهرستان کامیاران)
	عدم اعلام قیمت قطعی خرید سال بعد (نامشخص بودن قیمت خرید کلزا در سال بعد)
	بالا رفتن قیمت علوفه در سال‌های اخیر
	پائین بودن درآمد حاصل از کشت کلزا در مقایسه با تعدادی از زراعت‌ها
	پائین بودن قیمت تضمینی محصول کلزا

ادامه جدول ۳: مقوله های حاصل از مفاهیم (کدگذاری محوری)

مقوله ها	زیرمقوله ها
	مشکل صادرات محصولات کشاورزی به کردستان عراق به دلیل گذاشتن تعرفه های گمرکی بر روی محصولات کشاورزی توسط اقلیم کردستان عراق
	پائین بودن عملکرد محصول کلزا در سال گذشته
	بالا بودن هزینه برداشت دستی
مشکلات مرحله کاشت (عدم دسترسی به نهاده های مورد نیاز در کاشت کلزا)	سخت بودن عملیات کشت کلزا برای کشاورزان به نسبت کشت های دیگر
	کمبود آب در اوایل کشت جهت انجام عملیات هیرم کاری و کشت اولیه کلزا
	آزادسازی دیر هنگام آب کنار رودخانه ها (در اواخر مهر ماه) که زمان مناسبی برای کشت کلزا نمی باشد (شهرستان بیجار)
	عدم وجود ماشین آلات مخصوص کشت کلزا برای مرحله کاشت (مشکلات مکانیزاسیون)
	کلیه عملیات مربوط به زراعت کلزا نسبت به سایر محصولات از جمله گندم حساس تر است
	عدم وجود کارنده های ویژه محصول کلزا
	مناسب نبودن ارقام جدید کلزا
	همخوانی نداشتن زمان برداشت محصولاتی چون سیب زمینی و ذرت علوفه ای با زمان کشت کلزا (شهرستان سقز)
مشکلات مرحله داشت (آفات متعدد و حساسیت بالای کلزا به آفات و شرایط آب و هوایی)	طغیان آفت سنک کلزا در سال گذشته
	آفت و بیماری ها و علف های هرز و همچنین عدم کارایی سموم
	سخت بودن مبارزه با آفت سنک کلزا
	خسارت زدن آفت سنک کلزا به سایر محصولات همجوار
	کلزا به سرما حساس است (سرمازدگی)
	عدم وجود امکانات لازم برای مبارزه با آفت سنک در سال گذشته
	بادزدگی در مزارع کلزا
	آفت شته سبز
	آفت بید کلم
	عدم تامین کود فسفاته
عدم دسترسی به سم	

ادامه جدول ۳: مقوله های حاصل از مفاهیم (کدگذاری محوری)

مقوله ها	زیرمقوله ها
مشکلات مرحله برداشت (حساس بودن برداشت کلزا به دلیل ریزش بالا و عدم وجود ماشین آلات مناسب)	عدم وجود ماشین آلات برداشت
	ریزش محصول کلزا
	مشکل انبارداری
کاربردی نبودن بقایای پس از برداشت کلزا	عدم کاربرد بقایای محصول کلزا
	بقایای محصول کلزا ساقه های ضخیم است که برای کشاورز مشکل ایجاد می کند.
مشکلات اقلیمی و توپوگرافی منطقه (حساسیت کلزا به شرایط اقلیمی، توپوگرافی و ساختاری منطقه)	خسارت به دلیل گرمای شدید
	حساس بودن کلزا به شرایط اقلیمی متفاوت
	کمبود آب برای آبیاری علیرغم داشتن چاه های آب
	کم بودن آب برای آبیاری محصول کلزا در منطقه (شهرستان دیواندره)
	بارندگی زیاد (شهرستان مریوان)
	کمبود آب در منطقه (در پایاب سدها هم در زمان آبیاری آب رها سازی نمی شود)
	ستی و بلندی زمین های کشاورزی مانع از کشت مکانیزه کلزا می شود و برداشت سنتی امکان پذیر نیست.
	کوچک بودن قطعات زمین (کمتر از یک هکتار) و عدم توجه اقتصادی
	پائین بودن وزن هزار دانه کلزا به دلیل گرمای آخر فصل
علل ارتباطی و اطلاعاتی (عدم برخورداری مروجان مسئول پهنه از ارتباطات کلامی و فنی مناسب با کشاورز)	ضعیف عمل کردن مروجان مسئول پهنه مستقر در مراکز جهاد کشاورزی در توجه کشاورزان و علاقمند نمودن آنها
	ضعیف بودن مروجان مسئول پهنه به لحاظ فنی

ادامه جدول ۳: مقوله های حاصل از مفاهیم (کدگذاری محوری)

مقوله ها	زیرمقوله ها
علل اجتماعی - فرهنگی (پایین بودن سطح تحصیلات و عدم انگیزه برای کاشت کلزا)	عدم علاقه کشاورزان به کشت در سطوح کم
	پائین بودن سطح سواد کشاورز
	راحت طلب بودن کشاورزان
علل حرفه ای (دانش کم کشاورزان از فرایند تولید و اصول فنی کاشت کلزا)	اطلاعات کم کشاورزان از اصول فنی کشت
	عدم آشنائی با فرایند تولید کلزا (شهرستان دیواندره)

در نهایت در مرحله سوم یعنی کدگذاری انتخابی، مقوله های استخراج شده مندرج در جدول ۳، در ۳ دسته موضوعی قرار گرفتند. کدگذاری انتخابی عبارت است از تلفیق و توأم کردن طبقات به وجود آمده برای شکل گیری اولیه چارچوب تحقیق. در این مرحله جمله هایی که قبلاً کدگذاری شده اند دوباره با هم ترکیب می شوند تا رابطه میان آن ها قابل درک شود و سپس نمودار مربوط به آن ها ترسیم می گردد که بایستی هم پوشانی مباحث را در برگیرد. در این مرحله جمله هایی که قبلاً کدگذاری شده بودند دوباره با هم ترکیب شدند تا مقوله ای که قادر است سایر طبقات یا مفاهیم را به یکدیگر ارتباط دهد شناسایی شود و چارچوب مفهومی تحقیق به تدریج شکل گیرد (پاپزن و همکاران، ۱۳۸۹). در کدگذاری محوری تحلیل کل نگرانه ای بر فرآیندهایی که در طول تحقیق رخ داده است، صورت می گیرد و پژوهشگر براساس تمامی داده هایی که در اختیار دارد و برداشتی که خود در مسیر پر پیچ و خم پژوهش اندوخته است، خط سیر داستان را دنبال می کند تا در نهایت به مدل اقتضایی پژوهش منتهی گردد (ادیب حاج باقری و همکاران، ۱۳۸۹). خط سیر داستان یکی از اقدامات مهم در کدگذاری انتخابی است، بنابراین بعد از انتخاب موضوع مورد مطالعه، چرائی آن یعنی دلایل عدم استقبال کشاورزان از کشت کلزا مهمترین دغدغه پژوهشگر بود. داده های حاصل از مصاحبه با جامعه مورد مطالعه با استفاده از سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل گردید. مفاهیم در فرایند کدگذاری محوری تحلیل شدند و پس از مقایسه مداوم مقوله ها، ۱۰ مقوله به عنوان مؤلفه های شکل دهنده الگوی اقتضایی عدم استقبال کشاورزان از کشت کلزا استخراج گردید. در کدگذاری انتخابی کلیه مقوله ها یکپارچه سازی شدند که منجر به شکل گیری ۳ طبقه مفهومی اصلی گردید که هر کدام بخشی از دلایل عدم استقبال کشاورزان از کشت کلزا را تبیین می کنند. تحلیل نهایی از یافته ها به تشخیص تعامل و رابطه کلی میان طبقات اصلی، دسته های موضوعی و زیرمقولات انجامید که فرایند اساسی تحقیق را آشکار نمود.

به نظر می رسد با توجه به مفهوم و معنای برخی از مقوله ها از جمله علل حمایتی و سازمانی، علل ارتباطی و اطلاعاتی، مشکلات مربوط به مراحل کاشت و داشت و برداشت و همچنین برداشت های محقق از مصاحبه های انجام شده با ذینفعان زراعت کلزا؛ بتوان مقوله محوری و مرکزی تحت عنوان سیاست های نادرست وزارتخانه جهاد کشاورزی برای کاشت کلزارا شکل داد چرا که کلیه مقوله ها به نوعی ریشه در این مقوله دارند.

با مرور روند مذکور، چنین استنباط می شود که با کمک کلیه مقوله ها بتوان مدلسازی دلایل عدم استقبال کشاورزان استان کردستان از کشت کلزا و مدل تحلیلی روابط این دلایل را ارائه کرد. از این رو در کدگذاری انتخابی معلوم شد که بین این دلایل ارتباطاتی وجود دارد که در نهایت منجر به کاهش سطح زیر کشت کلزا و عدم استقبال کشاورزان استان کردستان از این محصول استراتژیک شده است.

علل مالی

علل مالی دسته ای است که از دو مقوله اصلی با عناوین علل حمایتی و سازمانی (عدم حمایت از کلزاکارن و مشکلات مربوط به فروش کلزا و عدم برخورداری از پوشش بیمه ای مناسب)، و علل اقتصادی (عدم رقابت کلزا با سایر محصولات از نظر هزینه های تولید، عملکرد و قیمت) شکل گرفته است. این مقوله اشاره به دلایلی دارد که بیشتر به هزینه های پروسه ی تولید و حمایت های قانونی و نهادی از تولید کلزا برمی گردد. کلزا محصولی است که به لحاظ درآمدی رقابت سختی با خیلی از محصولات جالیزی و غلات در منطقه دارد. از طرفی هزینه های تولید بالا و قیمت تضمینی آن پایین است و همین امر منجر به عدم رقابت آن با سایر محصولات می شود. بدیهی است که درآمد بالاتر به عنوان عامل پیش برنده و کاهنده ریسک تولید، تأثیر مثبتی بر پذیرش کشت این محصول دارد. از طرفی عدم اعلام قیمت قطعی خرید سال بعد در کنار موضوع بسیار مهم اجاره ی زمین که بر اساس مصاحبه های انجام شده درآمدی بیشتر از کاشت کلزا دارد، منجر به عدم استقبال کشاورزان از کاشت کلزا شده است.

کشاورزان تولیدکننده کلزا از مشکلات نهادی و حمایتی نیز رنج می برند. پوشش بیمه ای نامناسب، عدم پذیرش سرمازدگی کلزا به عنوان دلیل افت عملکرد کلزا توسط کارشناسان بیمه، عدم همکاری جهاد کشاورزی در تأمین سم برای مبارزه با آفت سنک، خرید سخت گیرانه محصول کلزا، نبودن مرکز خرید کلزا در برخی شهرستانها، عدم کیل گیری واقعی و صادقانه کلزا، و در انحصار دولت بودن خرید کلزا از جمله مشکلات و دلایلی هستند که در کاهش سطح زیر کاشت کلزا در سال های اخیر تأثیر گذاشته است.

علل مربوط به فرایند تولید

این دسته از علل عدم استقبال کشاورزان از کشت کلزا از ۵ مقوله اصلی مشکلات مرحله کاشت (عدم دسترسی به نهاده های مورد نیاز در کاشت کلزا)، مشکلات مرحله داشت (آفات متعدد و حساسیت بالای کلزا به آفات و شرایط آب و هوایی)، مشکلات مرحله برداشت (حساس بودن برداشت کلزا به دلیل ریزش بالا و عدم وجود ماشین آلات مناسب)، کاربردی نبودن

بقایای پس از برداشت کلزا، مشکلات اقلیمی و توپوگرافی منطقه (حساسیت کلزا به شرایط اقلیمی، توپوگرافی و ساختاری منطقه)، تشکیل شده است که در ادامه به آن‌ها اشاره شده است. عدم وجود کارنده‌های ویژه محصول کلزا، مناسب نبودن ارقام جدید کلزا، کمبود آب در اوایل کشت جهت انجام هیرم کاری در ابتدای کشت، و نبود ماشین‌آلات مخصوص کشت کلزا از مشکلاتی بودند که کشاورزان در حین کاشت با آن مواجه بودند. کلزا محصولی است که نسبت به گندم ریسک تولید بالایی دارد و گاهی اوقات ممکن است کشاورز از تولید این محصول ضرر کند چرا که عملکرد و وزن هزار دانه‌ی این محصول به شدت به نوسانات دمایی حساس می‌باشد و تغییر می‌یابد. مطابق با مصاحبه‌های صورت گرفته با کشاورزان و کارشناسان مورد مطالعه کلزا دارای آفات متعددی است که زمان عکس‌العمل کشاورزان در مبارزه با این آفات بسیار جدی (به ویژه آفت سنک) است که چنانچه کشاورز دیر اقدام نماید خسارت جدی به محصول وارد نموده و حتی به مزرعه‌های مجاور نیز حمله کرده و در مرحله انبارداری نیز خسارت وارد می‌نماید. تا جایی که کشاورزانی را که قصد کشت کلزا را ندارند نگران می‌کند. بر اساس یکی از نقل قول‌های مصاحبه‌های انجام شده "در شهرستان‌های قروه و دهگلان تعدادی کشاورز نه تنها خودشان کلزا کشت نکرده اند بلکه کلزاکاران را هم تهدید کرده اند که چنانچه کلزا کشت کنند و آفت سنک داشته باشد مزرعه آنها را آتش خواهند زد"

از طرفی مرحله‌ی کاشت و برداشت محصول هم به لحاظ زمانی دارای محدودیت‌هایی است که کشاورز را نسبت به کاشت این محصول منصرف می‌نماید و این در حالی است که هیچ‌گونه حمایت مالی و فنی از کشاورزان صورت نمی‌گیرد. بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته آفت سنک کلزا مهمترین دلیل عدم پذیرش کشت کلزا است در حالی که جهاد کشاورزی همکاری لازم در تأمین سم برای مبارزه با این آفت را با کشاورزان ندارد.

برداشت کلزا به دلیل ریزش بالای آن بسیار حساس است. این در حالی است که به دلیل کم بودن سطح زیر کاشت آن نسبت به گندم، تنظیمات خاص کمباین و عدم برداشت همزمان آن با گندم راضی کردن صاحبان این ماشین‌آلات برای برداشت چند هکتار کلزا با پراکندگی مکانی بالا بسیار سخت است. بر اساس مصاحبه‌ها و این نقل قول "کاه و کلش گندم به درد دام می‌خورد ولی کلزا این طور نیست و ما دامدار هستیم علوفه لازم داریم"، عدم استفاده از بقایای این محصول بعد از برداشت، مورد تأکید برخی از کشاورزان تولیدکننده این محصول بود که در کنار کشاورزی به دامداری هم می‌پرداختند. بدیهی است که موضوع استفاده از بقایای محصولات زراعی برای کشاورز دامدار بسیار مهم است و اگر محصولی نتواند به این نیاز کشاورز کمک کند از کشت آن منصرف خواهد شد. در بخش مشکلات توپوگرافی و اقلیمی منطقه هم کوچک بودن قطعات زمین، حساس بودن کلزا به شرایط اقلیمی متفاوت، و کم بودن آب برای آبیاری محصول کلزا در منطقه از مهمترین مسائل مؤثر بر عدم پذیرش کشت محصول کلزا بودند.

علل انسانی

این مقوله اشاره به مواردی از بازدارنده‌های کشت کلزا دارد که به نیروی انسانی برمی‌گردد. این دسته شامل سه مقوله اساسی علل ارتباطی و اطلاعاتی (عدم برخورداری مروجان مسئول پهنه از ارتباطات کلامی و فنی مناسب با کشاورز)، علل اجتماعی -

فرهنگی(پایین بودن سطح تحصیلات و عدم انگیزه برای کاشت کلزا)، و علل حرفه‌ای(دانش کم کشاورزان از فرایند تولید و اصول فنی کاشت کلزا) می‌باشد.

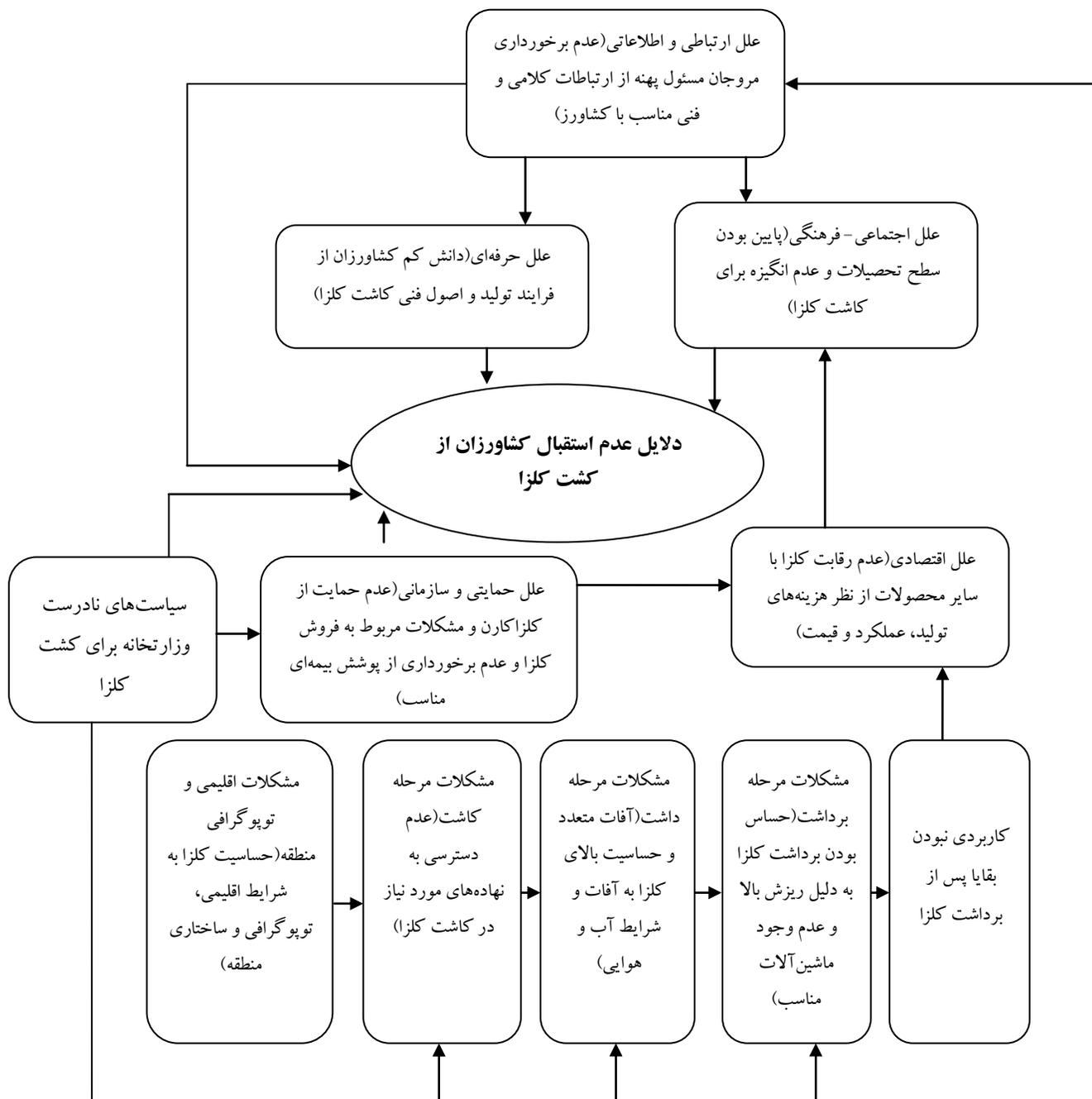
علل ارتباطی و اطلاعاتی(عدم برخورداری مروجان مسئول پهنه از ارتباطات کلامی و فنی مناسب با کشاورز) شامل مسائلی است که به کارشناسان و مروجان پهنه مستقر در مراکز جهاد کشاورزی برمی‌گردد که از ارتباطات کلامی و فنی مناسب با کشاورز، دانش فنی، و توانایی توجیه کشاورزان برخوردار نیستند که نیازمند توجه جدی مسئولان جهت توانمند ساختن مروجان مسئول پهنه به مهارت‌های ارتباطی و تسهیلگری با بهره برداران بخش کشاورزی می‌باشد. همچنین مراجعه، دیدارهای مداوم مروجان و ارتباط آن‌ها با کشاورزان این اطمینان را به کشاورز می‌دهد که در کلیه فرایند تولید کارشناسان در کنار آنان حضور دارند که در پذیرش کاشت محصولات جدید و تکنولوژی‌های نوین بسیار مؤثر می‌باشد.

مقوله علل اجتماعی- فرهنگی(پایین بودن سطح تحصیلات و عدم انگیزه برای کاشت کلزا) از سه زیر مقوله عدم علاقه کشاورزان به کشت در سطوح کم، پائین بودن سطح سواد کشاورز، و راحت طلب بودن کشاورزان تشکیل شده است. واقعیت این است که سطح تحصیلات ریسک‌پذیری کشاورزان را افزایش می‌دهد این در حالی است که به عقیده تعدادی از مصاحبه شوندگان کشاورزان منطقه از سطح سواد پایینی برخوردار بوده و همین مسئله در عدم پذیرش کشت کلزا بی‌تاثیر نبوده است. تحصیلات عامل مهمی در پذیرش نوآوری است و با افزایش سطح آن کشاورزان به کشت این محصول ترغیب و نگرش و نحوه فرایند تولید و در نتیجه عملکرد محصول تغییر می‌یابد. دو زیر مقوله اطلاعات کم کشاورزان از اصول فنی کشت، و عدم آشنائی با فرایند تولید کلزا در برخی شهرستان‌ها منجر به شکل‌گیری مقوله ای تحت عنوان علل حرفه‌ای(دانش کم کشاورزان از فرایند تولید و اصول فنی کاشت کلزا) شده است. عدم آشنائی کشاورزان با فرایند تولید کلزا در همه مراحل کاشت، داشت و برداشت با توجه به حسایت بالای این محصول در مراحل داشت و برداشت در عملکرد نهایی محصول تأثیر منفی داشته و در نهایت منجر به عدم استقبال کشاورزان از کاشت این محصول می‌شود. مدلسازی دلایل عدم استقبال کشاورزان استان کردستان از کشت کلزا (خروجی تحقیق) را در شکل ۱ است.

شکل ۱: مدلسازی دلایل عدم استقبال کشاورزان استان کردستان از کشت کلزا: خروجی تحقیق



در ادامه به تحلیل روابط بین مقولات خروجی از مرحله دوم کدگذاری گراندد تئوری پرداخته شده است که با توجه به ماهیت تحقیق حاضر و با تمرکز بر مسئله پژوهش و مصاحبه‌ها ی انجام شده در مدل زیر ارائه شده است (شکل ۲).



شکل ۲: مدل تحلیلی روابط دلایل عدم استقبال کشاورزان استان کردستان از کشت کلزا
خروجی تحقیق

بحث و نتیجه گیری

کلزا به عنوان یکی از مهمترین گیاهان روغنی به دلایل متعددی از اولویت خاصی برخوردار بوده و با توجه به نیاز مبرم کشور به تولید دانه‌های روغنی و روغن گیاهی، سطح زیر کشت آن در حال افزایش است. کلزا یکی از گیاهان، روغنی است که علاوه بر تولید روغن خوراکی کاربرد صنعتی نیز دارد. با توجه به وارداتی بودن قسمت اعظم روغن مورد نیاز، توجه به مصرف سرانه کشت و توسعه گیاهان روغنی ضرورت و افری دارد (روشنعلی و ذاکری، ۱۳۹۳). در سال‌های اخیر معرفی کلزا به نظام تولید دانه‌های روغنی کشور به دلیل خصوصیات مطلوب آن مورد توجه سیاست‌گزاران بخش کشاورزی قرار گرفته است (عادل و ذوقی، ۱۳۸۸) دانه‌های روغنی پس از غلات، دومین ذخایر غذایی جهان را تشکیل می‌دهند و بدون شک از محصولات اساسی کشاورزی ایران هستند. اما متأسفانه با وجود تمام تلاش‌ها و ادعاها، ایران هنوز هم برای تامین نیاز خود به واردات روغنی وابسته است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۶). پژوهش حاضر با هدف شناسایی موانع پیش روی توسعه کاشت کلزا در استان کردستان به انجام رسید. بر اساس یافته‌های پژوهش (شکل ۱) سه دسته علل انسانی، مالی و تولید در مجموع از موانع توسعه کشت کلزا در استان کردستان به شمار می‌آیند. در دسته علل انسانی، یکی از موانع اصلی توسعه کاشت کلزا علل اجتماعی - فرهنگی (پایین بودن سطح تحصیلات و عدم انگیزه برای کاشت کلزا) است که با نتایج مطالعه شفیع‌ی (۱۳۹۰)، قاسمی و همکاران (۱۳۹۶) مطابقت دارد. بر اساس نتایج، علل حرفه‌ای (دانش کم کشاورزان از فرایند تولید و اصول فنی کاشت کلزا) از موانع کشت کلزا محسوب می‌شود که با پژوهش عبدی و فیروزی (۱۳۹۳)، معتمد و همکاران (۱۳۹۸) و شهری (۱۳۹۶) همخوانی دارد. در دسته علل مالی، علل حمایتی و سازمانی (عدم حمایت از کلزاکاران و مشکلات مربوط به فروش کلزا و عدم برخورداری از پوشش بیمه‌ای مناسب)، و علل اقتصادی (عدم رقابت کلزا با سایر محصولات از نظر هزینه‌های تولید، عملکرد و قیمت) از موانع پیش روی توسعه کاشت این محصول هستند که تاییدکننده نتایج مطالعه شهری (۱۳۹۶)، جباری و ظریفیان (۱۳۸۸) و شرفی‌پور و احمدوند (۱۳۹۷) می‌باشد. دسته سوم از علل عدم استقبال کشاورزان از کشت کلزا از ۵ مقوله اصلی مشکلات مرحله کاشت، مشکلات مرحله داشت، مشکلات مرحله برداشت، کاربردی نبودن بقایای پس از برداشت کلزا، و مشکلات اقلیمی و توپوگرافی منطقه تشکیل شده است. مشکلات کاشت کلزا از مشکلات اصلی کشاورزان است. عدم وجود کارنده‌های ویژه محصول کلزا، و نبود ارقام جدید که همسو با مطالعه معتمد و همکاران (۱۳۹۸) و شرفی‌پور و احمدوند (۱۳۹۷) است. در خصوص مشکلات برداشت محصول کلزا امین فدک و همکاران (۱۳۹۴) هم مهمترین موانع کاشت کلزا را ریزش زیاد هنگام برداشت عنوان کردند. شهری (۱۳۹۶) هم در مطالعه خود نشان داد که در بخش مکانیزاسیون برای برداشت کلزا ریزدانه‌کار حرفه‌ای در دسترس کشاورزان نیست. از دیگر مشکلات کاشت کلزا کاربردی نبودن بقایای پس از برداشت کلزا است که مطالعه شهری (۱۳۹۶) نشان داد که دامداران تمایلی به خرید کاه و کلشن به جا مانده از کلزا را ندارند و این خود مانعی جدی پیش روی توسعه کشت این محصول است.

پیشنهادها

بر مبنای نتایج پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

۱. تهیه ریزدانه کارهای حرفه‌ای جهت سهولت کاشت محصول کلزا و رفع مشکل ریزش ماشین‌آلات برداشت
۲. برگزاری کلاس‌های آموزشی - ترویجی جهت آشنایی کشاورزان با کاشت، داشت و برداشت محصول کلزا
۳. تعیین قیمت تضمینی برای محصول کلزا و افزایش نسبی قیمت آن
۴. کاهش مشکلات نهادی و حمایتی با پوشش بیمه‌ای مناسب، ایجاد مرکز خرید کلزا در شهرستان‌های تولیدکننده این محصول، و خارج کردن خرید و فروش کلزا از انحصار دولت

منابع

۱. ادیب حاج‌باقری، م.، پرویزی، س. و صلصالی، م. (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق کیفی. انتشارات بشری، چاپ دوم.
۲. امین فنک، د. و محمدزاده، ل. و مرادیان، ح. (۱۳۹۴). ارزیابی نگرش کشاورزان نسبت به کاشت کلزا در استان آذربایجان غربی، نخستین کنفرانس ملی دستاوردهای نوین در علوم زیستی و کشاورزی، تهران، <https://civilica.com/doc/418023>
۳. بخشی، ن.، حیاتی، ب.، دشتی، ق. و قهرمان‌زاده، م. (۱۳۹۶). تحلیل عوامل موثر بر توسعه کشت کلزا در شهرستان‌های تبریز و مرند، ایران. نشریه مدیریت کشاورزی و توسعه. شماره ۱.
۴. پاپ‌زن، ع.، قبادی، پ.، زرافشانی، ک. و گراوندی، ش. (۱۳۸۹). مشکلات و محدودیت‌های گردشگری روستایی با استفاده از نظریه بنیانی (مورد: روستای حریر، استان کرمانشاه). پژوهش‌های روستایی، دوره ۱، شماره ۳، صفحه ۵۲-۲۶.
۵. جباری، م. و ظریفیان، ش. (۱۳۸۸). عوامل موثر بر رضایت پذیرندگان کشت کلزا در غرب شهرستان آمل، سومین کنگره علوم ترویج و آموزش کشاورزی، مشهد، <https://civilica.com/doc/131817>
۶. چاهی بیرق، م. و فلسفیان، آ. (۱۴۰۲). تحلیل عوامل مؤثر بر پذیرش و توسعه کشت کلزا در شهرستان تبریز: کاربرد مدل هاردل دوگانه. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، (۳) ۵۴، ۶۶۳-۶۷۹.
۷. روشنعلی، م.، مرصوصی، ن. و ذاکری، م. (۱۳۹۱). سنجش تناسب اراضی استان مازندران بر اساس عناصر اقلیمی برای کشت کلزا با استفاده از مدل TOPSIS. دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، سال ۳، شماره ۶، صفحه ۶۷-۸۰.
۸. سبحانی، ب. و روشنعلی، م. (۱۳۹۷). سنجش تناسب اراضی استان مازندران برای کشت کلزا براساس روش‌های ارزیابی تصمیم‌گیری چندمعیاره در محیط GIS. فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، سال ۸، شماره ۲۷، ۱۲۹-۱۴۸.
۹. شرفی‌پور، ل. و احمدوند، م. (۱۳۹۷). واکاوی بازدارنده‌های توسعه کشت کلزا (*Brassica napus*) در شهرستان آرزوئیه. پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال ۱۱، شماره ۴، صفحه ۴۷-۵۸.
۱۰. شفیع‌ی، ل. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کاشت کلزا در استان کرمان. فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد ۳، شماره ۴، صفحه ۱-۱۶.

۱۱. شهری، آ. (۱۳۹۶). بررسی چالش‌های کشت کلزا و راهکارهای توسعه کشت آن در استان البرز با استفاده از روش مصاحبه عمیق. دومین کنفرانس ملی دستاوردهای نوین غربی، نخستین کنفرانس ملی دستاوردهای نوین در علوم زیستی و کشاورزی، در صنایع غذایی و تغذیه سالم در سال ۱۳۹۶.
۱۲. شهریار، آ.، فرهادیان، ه. و محمودی، م. (۱۴۰۰). واکاوی ساختار عاملی چالش‌ها و راهکارهای توسعه کشت کلزا (مورد مطالعه: استان البرز). نشریه راهبردهای توسعه روستایی، ۲۸(۲)، ۱۵۰-۱۳۳.
۱۳. عاقل، ح.، و ذوقی، ک. (۱۳۸۸). بررسی مهمترین موانع و مشکلات توسعه کشت کلزا در خراسان. مجله پژوهش‌های زراعی ایران، جلد ۷، شماره ۲، صفحه ۵۱۴-۵۰۵.
۱۴. عبدی، ن.، و فیروزی، س. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر پذیرش کشت کلزا در میان کشاورزان شهرستان دزفول. اولین کنگره بین‌المللی و سیزدهمین کنگره ملی علوم زراعت و اصلاح نباتات و سومین همایش علوم و تکنولوژی بذر.
۱۵. قاسمی، ش.، زرافشانی، ک.، و قمبرعلی، ر. (۱۳۹۶). بررسی عوامل پیشگوکننده استمرار پذیرش کشت کلزا در شهرستان کرمانشاه. *تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، دوره ۲-۴۸، شماره ۴، صفحه ۶۳۳-۶۴۶.
۱۶. کاکولوند، ن.، غلامرضایی، س.، و رحیمیان، م. (۱۳۹۷). نقش‌آفرینی ترویج و آموزش کشاورزی در توسعه کشت کلزا در شهرستان سلسله. *پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی*، دوره ۱۰، شماره ۴۶، صفحه ۷۸-۸۹.
۱۷. معتمد، م. ک.، جوزائی، ص.، کاوسی کلاشمی، م. (۱۳۹۹). ارزیابی شاخص‌های مالی و متغیرهای اثرگذار بر پذیرش کشت کلزا به‌عنوان کشت دوم در شالیزارهای استان گیلان. *تحقیقات غلات*، دوره ۱۰، شماره ۱، صفحه ۳۳-۴۳.
۱۸. هاشمی، س. (۱۳۹۶). ارزیابی کیفی تناسب اراضی برای کشت کلزا و چغندر قند با روش‌های متفاوت فائو (منطقه گیان، استان همدان). *تحقیقات کاربردی خاک*، جلد ۵، شماره ۲، صفحه ۱۶-۳۰.
۱۹. همایونی‌فر، م.، و ملک‌دار، م. (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کشت کلزا در استان مازندران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ۵، شماره ۴، صفحه ۱۲۲-۱۱۴.

20. Dashti, G., Hayati, B., Bakhshi, N., & Ghahremanzadeh, M. (2016). Analysis of Factors Affecting Canola Plantation Development in Tabriz and Marand Counties, Iran. *International Journal of Agricultural Management and Development (IJAMAD)*, 7 (1), 25-35.
21. GhiasvandGhiasy, F. (2012). Feasibility study of cultivation and development oilseeds in gazvine province. *Annals of biological research*, 3 (8):3861-3864.
22. Jones, M. and Alony, I. (2011). Guiding the Use of Grounded Theory in Doctoral Studies – An Example from the Australian Film Industry, *International Journal of Doctoral Studies Volume 6*.
23. KC, K.B., Montocchio, D., Berg, A., Fraser, E., Daneshfar, B. and Champagne, C. (2020). How climatic and sociotechnical factors influence crop production: a case study of canola production. *SN Applied Science*. 2, 2063 (2020): 1-9.
24. Khan, S.N. (2014). Qualitative Research Method: Grounded Theory, *International Journal of Business and Management*; Vol. 9, No. 11; Published by Canadian Center of Science and Education.
25. Kimber, D., and D.D., McGregor, (1995). *Brassica Oilseeds Production and Utilization*. CAB International Pub., UK.

26. Risdon, P. (1992). Understanding the Technology Transfer Process (online) Available at WWW.
URL: <http://Cygnus.Sas.Upenn>.
27. Usherwood, N.R. (1993). Canola Production for Southeast Agriculture. *Better Crops*.